

انقلاب باید مدام و با قاطعیت بسوی اهداف ضد امپریالیستی و مردمی خود پیش رود تا به پیروزی قطعی و نهایی برسد

انقلاب اگر بجز حرکت پیش رونده خود ادامه ندهد، واپس می نشیند

متوقف شود، یا پیش می رود و یا واپس می نشیند، اینست که پس از تصرف قدرت حاکمه (که در واقع آغاز انقلاب است و نه پایان آن)، نبرد شدیدی بین نیروهای انقلابی و ضدانقلابی در میگیرد. ضدانقلاب با ده چندان نیرو برای بازپس گرفتن قدرت حاکمه به مبارزه برمیخیزد و تا از پای در نیاید، به این تلاش خود یا خشم و شدت ادامه میدهد. این قانون انقلاب است.

نیروی ضدانقلاب در نبرد شدید خود برای بازپس گرفتن

انقلاب قانون دارد، هر انقلابی، از جمله انقلاب ایران. انقلاب باید دائما به پیش رود، دائما به حرکت خود بسوی اهداف نهایی ادامه دهد، تا بطور قطع پیروز شود. انقلاب اگر از حرکت پیش رونده باز ایستد، واپس می نشیند و بسوی شکست در خواهد غلتید. سکون و توقف در انقلاب ممکن نیست. این قانون انقلاب است.

دلیل آنکه انقلاب نمیتواند



دوره هفتم، سال سوم، شماره ۴، ۵-شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰ مطابق با ۳ جمادی الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۰ ریال

مقاومت سرسختانه نیروی فئودال انقلاب، باید این مواضع را یکی پس از دیگری تصرف کند، تا نیروی ضدانقلاب را همواره تضعیف کند و سرانجام او را از پای درآورد.

بقیه در صفحه ۴

توطئه بمب گذاری و هشدار «نامه مردم»



ماه هشدار میدهیم!

توطئه جدید بعث عراق برای کشتار وسیع مردم بیگناه کورما

توطئه جدید بعث عراق برای کشتار وسیع مردم بیگناه کورما

توطئه جدید بعث عراق برای کشتار وسیع مردم بیگناه کورما

پارک تیاروان و اخیراً انفجار بمب در کرمانشاه، که به قتل ۱۰ نفر و زخمی شدن دهها نفر منجر شده است، از زمره جنایات جدید ضدانقلاب اند.

شبهات عجیب اشکال این بمب گذاریها، با اشکالی که «نامه مردم» در ۱۴ مرداد ۵۹ متذکر شده بود، قابل توجه و تعمق است: میبوسی در مقابل در ارومیه، انفجار بمب در نزدیک

در مصرف ارز دانشجوئی باید اکیداً صرفه جوئی شود

در انتظار اجرای فوری و عملی بند «ج» و بند «د» قانون اصلاحات ارضی

بقیه در صفحه ۵

در تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۵۹، «نامه مردم» طبق اخبار موثق هشدار داد که جنایتکاران صدامی، توطئه جدیدی را برای کشتار وسیع مردم بیگناه کشور ما تدارک می بینند. طبق این اخبار موثق، عمال صدام حسین، تعدادی اتوموبیل با نمره ایرانی را از مرز ایران عبور داده و به کرکوک و موصل می برند و در این دو منطقه در هریک از آنها مقدار زیادی «تی.ان.تی» جا سازی می کنند و سپس هر اتوموبیل را به فردی می سپارند تا به ایران بیاورد و در محلی که آنها تعیین می کنند، قرار دهد. جنایتکاران صدام حسین به این افراد که یا کرد و یا پناهندگانی هستند که دولت عراق تا بحال از بازگشت آنها به ایران جلوگیری کرده است، میگویند که پس از پارک کردن اتوموبیلها در محل مورد نظر، دو سر سیمی را که به آنها نشان میدهند، بهم وصل کنند و سپس اتوموبیل را رها سازند و پسر کجا که میخواهند بروند.

رژیم جنایتکار صدام حسین، زمانی دست زدن به این جنایات فجیع را مورد نظر قرار داده بود که آخرین تدارکات خود را برای تجاوز نظامی علیه انقلاب ایران به پایان میرسانند. او میکوشید بدین وسیله روحیه ضدانقلاب ایران را تقویت کند و جو بیم و هراس و ناامنی در میان مردم و نیروهای انقلابی پدید آورد.

اکنون نیز که انقلاب ایران با موج جدید و گسترده ای از توطئه های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی مواحه است، بمب گذاری نیز دوباره رونق گرفته است. بمب گذاری در ارومیه، انفجار بمب در نزدیک

ماهنامه مترقی آلمان غربی فاش میکند: چگونه «جهان دوم» رژیم صدام را علیه انقلاب ایران مسلح میکند

نشر، تبلیغ و «تعمیر» این «خبر» بکار می انداختند، از چه کشورهایی، بواقع، سیل اسلحه به سوی بغداد جاری می گشت.

دوم آنکه، تایید می کند که جنگ «برق آسای» دارودسته صدام از مدت ها پیش برنامه ریزی و تدارک دیده شده و به آگاهی مرعجان منطقه و صحنه اربابان امپریالیستی رسیده بود.

سوم آنکه، فاش میگرد که باصطلاح «جهان دوم»، چگونه جنگ تجاوزکارانه دارودسته

نخست آنکه نشان میدهد، چگونه درست هنگامیکه «امپریالیسم خبری» به پختی «خبر» های ساختگی و اراجیف مبتذل درباره واگذاری اسلحه از سوی اتحاد شوروی به عراق، می پرداخت و خریداران «بومی» نیز همه کوشش خود را در راه

* جنگ «برق آسای» دارودسته صدام حسین از ماهها پیش به آگاهی و صحنه اربابان امپریالیستی رسیده بود

* سیل جنگ افزارها از «جهان دوم» بسوی بغداد جاری است.

در زیر ترجمه مقاله کوتاهی از ماهنامه «آنتی امپریالیستیس» اینفورماتسیونز بولتن (شماره ۳ سال ۱۹۸۱)، چاپ «جمهوری فدرال آلمان» از نظر خوانندگان میگذرد.

این مقاله، حداقل، از سه جهت گویاست:

اعلامیه سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان:

همه با هم به یاری هموطنان سیل زده خراسانی بشتابیم

کرده و هزاران راس دام را نیز از بین برده است. شدت، گسترش و تلفات ناشی از سیل در استان پهناور خراسان کم سابقه است.

هموطنان زحمتکش خراسانی، که تاکنون بلا یای بزرگی چون زلزله قانات، طیس، کاخک و گناباد را تحمل کرده اند، هنوز از زبیر فشار کم رشتن این مصیبتها کاملاً رها نگشته اند، که این بار دچار این سیل خانمان -

هموطنان عزیز! در اکثر مناطق خراسان، سیل خسارات جانی و مالی فراوانی به بار آورده است. هم اکنون شهرها و مناطق روستایی مشهد، قوچان، شیروان، تربت جام، تایباد، قانات، بیرجند، گناباد، کاشمر، درگز و فردوس دچار مصیبت سیل شده اند. سیل تاکنون علاوه بر ۴۰۰ قربانی، هزاران واحد مسکونی را ویران و صدمات زیادی به مزارع، باغات، قنوات، پلها و راهها وارد

توسط نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران: مواضع ارتش عراق در قصر شیرین بمباران شد

نیروهای خودی را تشریح کرده است. بر طبق این اطلاعیه، دوفروند هوایی مهاجم عراق در منطقه مریوان، مواضع نیروهای مسلح ایران را مورد حمله هوایی قرار دادند، که بر اثر آتش پدافند زمین به هوا، یک فروند آنها سرنگون

رزمندگان انقلاب، در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی، حمله هوایی هواپیماهای دشمن را دفع و یک فروند از آنها را سرنگون کردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه ۴۹۱ خود، عملیات روز ۱۳ اردیبهشت

از برنامه حزب توده ایران برای تثبیت، تحکیم و گسترش همه جانبه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران:

نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور

امپریالیسم و ارتجاع جهانی و بویژه ارتجاع منطقه که انقلاب ایران بر آنان ضربه دردناکی وارد ساخته، هرگز از توطئه برای ناکام ساختن این انقلاب دست برنخواهند داشت. ضدانقلاب شکست خورده ایران و نیروهای ارتجاعی منطقه هم، گوش فرمان امپریالیسم جهانی، همیشه آماده هر گونه توطئه جنایت آمیز علیه انقلاب ایران هستند. تنها با نیرومند ساختن بنیه دفاعی کشور و تامین همه جانبه امنیت داخلی می توان کامیابی هر گونه توطئه ای را غیر ممکن ساخت.

برای دفاع از انقلاب ضرور است که نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هر گونه تجاوزی، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه ناپذیر این نیروها در تمامی سطوحش به آرمانها و اهداف انقلاب و در اختیار داشتن جنگ افزار امروزی و کاربرد و آمادگی فنی و رزمی. برای رسیدن به این کیفیت باید:

- ۱- با دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش، پایه های ایجاد ارتش مردمی و انقلابی بوجود آید و با تامین کامل و فارغ از انحصار طبقاتی های تنگ نظرانه حق شرکت همه افراد ارتش در زندگی سیاسی کشور ما راه رشد سیاسی و شناخت اجتماعی کادر نیروهای مسلح هموار گردد؛
- ۲- کادر فرماندهی ارتش و سایرین نیروهای مسلح از بقایای سرسپردگان رژیم سرنگون شده پاکسازی شود؛
- ۳- هر گونه وابستگی به امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلاب ایران است، ریشه کن گردد؛

بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

فئودالها، با تمام نیرو علیه انقلاب توطئه می کنند. بند «ج» و «د» را اجرا کنید

یک فئودال ذرفولی، که به مزدوری رژیم صدام حسین درآمد بود و فعالانه در توطئه علیه انقلاب و مدافعان انقلاب شرکت داشت، بحکم دادرسی انقلاب اسلامی ذرفول، اعدام شد.

این اولین بار نیست که فئودالها، این غارتگران هست و نیست دهقانان زحمتکش و محروم کشور ما، کینه و نفرت خود را از انقلاب و دستاوردهای آن ابراز می کنند و به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ می دهند. چند ماه قبل، هنگامیکه تجاوزگران صدامی، سوسنگرد را تصرف کرده بودند، فئودالها، که خود تجاوزگران را هدایت و کمک کرده بودند، به جشن و سرور و پایکوبی مشغول شدند و بر سر راه تجاوزگران صدامی گوسفند قربانی کردند. این خائنان به همین، پس از تسخیر دوباره سوسنگرد توسط نیروهای مسلح انقلاب، تیرباران شدند. فئودالها، طی دو سال بعد از انقلاب، بویژه در دوران تجاوز رژیم صدام حسین به ایران، به روشنی کین و نفرت خود را از انقلاب و دستاوردهای آن ابراز داشتند و با تمام قوا در توطئه

علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، همکاری با ضدانقلاب و متجاوزان و خرابکاری در امر تولید، شرکت کردند. فئودالها دشمن قسم خورده و آشتی ناپذیر انقلابند. این واقعیتی انکارناپذیر است. دهقانان زحمتکش متحد و مدافع قاطع و فداکار انقلابند. اینهم انکارناپذیر است. اما متأسفانه بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی ایران هنوز با اتخاذ سمتگیری قطعی و نهایی بسود دهقانان و علیه فئودالها، انتخاب طبیعی خود را انجام ندادند. با فئودالها که خون دهقانان را می مکند، محصول زحمت آنها را غارت می کنند، کشتزارها را بدون کشت می گذارند و یا خرمنها را به آتش می کشند، با دشمنان انقلاب برای ناپسود کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشریک مساعی می کنند و... نباید مسامحه کرد. این امر نه فقط کمک به دشمنان انقلاب است، بلکه ناراضی ساختن ۱۸ میلیونی دهقان زحمتکش و تضعیف مستقیم بنیة انقلاب است. به خواست دهقانان زحمتکش، با اجرای بند «ج» و «د» اصلاحات ارضی، پاسخ فوری و قاطع دهیم.

کشف ۴۵۰ کیلوهر وئین!

در خبرها بود که ۴۵۰ کیلوگرم هر وئین در ناحیه کویر ایران از قاچاقچیان بدست آمده است! باورنکردنی است، ولی وجود این مقدار عظیم هر وئین، اگر نشانه هیچ چیز نباشد، بیانگر آنست که سوداگران مرگ و باندهای جهانی قاچاق مواد مخدر، با هدایت «سپاه» تصمیم به مسموم کردن وسیع مردم کشور ما دارند، و دیگر اینکه آنها از قاچاق حتی این مقدار از مواد مخدر باک ندارند.

موارد متعدد دستگیری قاچاقچیان و کشف مواد مخدر، که در هفته های اخیر روی داده است، بیانگر آنست که باندهای قاچاق این سم مهلک، فعالیت خود را گسترش داده اند. در همین زمینه از تعداد قابل توجه قاچاقچیان افغانی می توان نام برد، که حتی از قاچاقچیان وطنی نیز بی پروای به ارتکاب این جنایت مشغولند.

بیشک جمهوری اسلامی ایران، در این زمینه نیز با توطئه های علیه موجودیت و سلامت خویش روبروست، توطئه ای که جوانان را بکام خود میکشد، ناراضی مردم را تشدید میکند و ثروت های کشور را بسوی سوداگران بین المللی، سرازیر میسازد.

بنظر ما باید هرچه سریعتر و قاطعتر، به مبارزه با این باندهای جنایتکار شدت و قاطعیت بخشید و قاچاقچیان را، بدون مسامحه، قلع و قمع کرد. بویژه در این زمینه کنترل دقیق افغانی هایی که در ایران بسر می برند، هم به کشف باندهای قاچاقچی در بین افغانی ها و هم به کشف فعالیت ضدانقلابی در بین افغانی ها کمک خواهد کرد.

همه با هم ...

خراسان رخ داده است، به مرحله اجرا درآید. ساختن کانالها و آبروها، ایجاد سیل بند، لایروبی قنوات و خانه سازی، براساس ویژگیهای منطقه، از جمله اقداماتی است که با انجام آن می توان خطرات و صدمات ناشی از اینگونه وقایع را به حداقل ممکن رساند و مانع آن شد که میلیونها هموطن زحمتکش هر بار توشه ناپذیر و ثمره کار طاقت فرسای خود را از دست بدهند و آواره و سرگردان شوند.

بقیه از صفحه ۱

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان آماده است که در انجام این وظیفه بزرگ انقلابی، با تمام نیرو با ارگانهای مسئول و نهادهای انقلابی همکاری کند. با تجویز و تدارک همه جانبه مردم و بهره گیری از امکانات همه نیروهای انقلابی و مردمی بکوشیم، تا دامنه کمک به سیل زدگان را هرچه وسیعتر کنیم. بکوشیم تا هموطنان زحمتکش خراسانی، در آینده دیگر شاهد چنین وقایع اسفباری نباشند.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان ۶۰۴۲۱۴

چگونه «جهان دوم»

بقیه از صفحه ۱

صدام حسین را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشویق کردند و با جنگ افزارهای مدرن خود کماکان آنرا دامن میزنند. چنانکه در نوامبر ۱۹۸۰ و ژانویه ۱۹۸۱ فاش شد، رژیم (صدام) حسین در عراق، که در ۲۲ سپتامبر جنگ «برق آسای» خود را علیه ایران آغاز کرد، بیش از همه، از سلاح های فرانسوی و آلمان غربی بهره می جوید. در حالیکه اتحاد شوروی، که تا اواسط سالهای ۷۰ مهم ترین واکذارکننده جنگ افزار به عراق، عربستان سعودی، کویت و ابوظبی و آنگاز می شود. علاوه بر این، چگونه می توان مطمئن بود، که ۳۰۰ «لویپارد ۲» و در حدود ۱۷۰۰ خودروی زرهی، که آلمان غربی به عربستان سعودی فروخته است، مانند «آلفا - جت» ها از سوی این کشور در اختیار عراق قرار نرفته باشد؟

مجله «اکسپرس» پاریس در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۸۰ یادآور شد که دولت فرانسه، حتی در آغاز سال ۱۹۸۰، از نقشه های جنگجویانه عراق آگاهی داشت. از آن هنگام تا کنون، دولت فدرال فرانسه چندین بار، از جمله در کنفرانس سران دو کشور، یعنی میان صدراعظم هلموت اشمیدت و پرزیدنت ژیسکار دستن (برای مثال در تاریخ ۵ ژانویه ۸۰ و غیره)، با یکدیگر درباره خاورمیانه و نزدیک به مشورت پرداختند. از سوی دیگر، در آستانه جنگ خلیج، مناسبات میان عراق و عربستان سعودی بیش از پیش نزدیک و دوستانه شد. صدام حسین، برای اولین بار پس از سال ۱۹۵۸، در تاریخ ۵ اوت ۱۹۸۰ از ریاض دیدار رسمی کرد. بنوشته «اکسپرس»:

«هرروزه نیک میدانیم که (صدام) حسین در سفر خود به ریاض هدفی جز این نداشت که رهبران عربستان سعودی را از نقشه حمله عراق به ایران آگاه سازد و از بیطرفی نیک اندیشه این کشور اطمینان حاصل کند.»

سخت میتوان تصور کرد که رژیم سرپا نواستعماری سعودی این اطلاعات را به «دوستان» خود در واشینگتن، پاریس و بن نرسانده باشد. قرون بر این، دولت فدرال، بویژه پس از شروع جنگ، سیل سلاحهای آلمان غربی - فرانسوی را به بغداد مورد تایید قرار داد. این دولت بهیچ روی نکوشید تا دولت فرانسه را از این اقدام باز دارد.

بدین ترتیب، بن نیز مانند پاریس، باید مسئولیت سنگین دامن زدن به جنگ تجاوزکارانه را علیه انقلاب ایران بپذیرد. زیر شعار «به مناطق تشنج اسلحه نخواهیم فرستاد»!

توطئه بمب ...

بقیه از صفحه ۱

خانه ای در نزدیکی پارک نیاوران، پارک می کند و چند دقیقه بعد منفجر میشود؛ یک تویوتا، که در محله پیر رفت و آمدی در کرمانشاه پارک شده است، منفجر میشود و عدد زیادی کشته و زخمی میشوند. ما امیدواریم که مسئولین جمهوری اسلامی، مردم و نیروهای انقلابی منشاء این جنایات را دقیقاً بشناسند و جنایتکاران دستگیر و مجازات شوند.

ستاد ارزاق شهرستان کرمانشاه:

تا اقتصاد ایران در دست سرمایه داران بزرگ است، مستضعفان روی خوش نخواهند دید

«ستاد ارزاق شهرستان کرمانشاه» با انتشار اطلاعیه ای، نقش سرمایه داران بزرگ را در بالا بردن قیمتها مورد تاکید قرار داد. در این اطلاعیه از جمله آمده است:

«تا زمانیکه اقتصاد کشور در دست سرمایه داران زالوصفت است، مستضعفین روی خوش نخواهند دید.»

در دنباله اطلاعیه می خوانیم:

«در یکسانی که گذشت، بارها و بارها از طرف مردم پیشنهاد شد که توزیع کالاها از قبیل صابون، شامپو و غیره به عهده این ستاد گذاشته شود. باید بگوییم هر روزی که از ادامه فعالیت ستاد ارزاق می گذشت، سرمایه داران زالوصفت، که عامل اصلی گرانی و احتکار بوده اند و بالمال در بدبین کردن مردم از جمهوری اسلامی نقش مهمی را ایفا می کنند، منافع خود را در خطر دیده و برایشان معلوم گردیده است که اگر ستاد ارزاق گسترده تر عمل کند، دیگر جایی برای آنها باقی نخواهد ماند.»

«ستاد ارزاق شهرستان کرمانشاه» در پایان اطلاعیه متذکر شده است:

«با توجه به عدم حمایت بعضی از مسئولین و اینکه در حال حاضر کالاها در اختیار سرمایه داران میباشد، عملاً ادامه کار ستاد ارزاق غیرممکن شده است.»

انقلاب باید مدام ...

بقیه از صفحه ۱

انقلاب ایران، انقلاب کوچ - نشینان، مستضعفان، محرومان و زحمتکشان است. دشمن سرسخت و آشتی ناپذیر انقلاب مسا امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا (در خارج) و کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی (در داخل) است. انقلاب ما با امپریالیسم در درجه اول با امپریالیسم آمریکا نبرد درازمدت، یکفته امام خمینی، تا آخر عمرمان، در پیش دارد. برای مقاومت پیروزمانده در برابر این دشمن غدار و نیرومند، باید ضدانقلاب داخلی را درهم شکست، تا بتوان تمام نیروی خلق انقلابی را برای نبرد حیاتی و مماتی بنا امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، آماده داشت.

درهم شکستن نیروی ضد انقلاب داخلی - چنانکه گفته شد با تصرف مواضع اجتماعی - اقتصادی او، یعنی بطور عمده با لغو کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی ممکن است. این خود پیشبرد انقلاب بسوی اهداف انقلاب، اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، تدارک انقلاب، دوام حرکت پیشرونده انقلاب است، که تا پیروزی قطعی و نهایی توقف ناپذیر نیست. توقف انقلاب در نیمه راه، یعنی واپس نشستن انقلاب، یعنی تقویت ضدانقلاب، یعنی حرکت قهقرائی بسوی شکست انقلاب.

ما شاهد آن هستیم که هنوز باززگانی خارجی ملی (دولتی) نشده و در انحصار دولت قرار نگرفته است، یعنی کلان سرمایه داری تجاری، که غارتگرترین بخش کلان سرمایه داری وابسته است، هنوز باقی است. این یکی از پایگاههای مهم اجتماعی - اقتصادی ضدانقلاب است. تعلل در ملی کردن باززگانی خارجی، یعنی فارضائی قراشی در تودم - های میلیونی، یعنی معاشات با ضدانقلاب؛ سستی در نبرد با ضدانقلاب، یعنی کند کردن حرکت پیشرونده انقلاب. این - تحلل و معاشات و سستی بزبان انقلاب و بسود ضدانقلاب است. نمیتوان و نباید با دشمن آشتی - ناپذیر آشتی کرد. اگر کسی تصور کند - صادقانه تصور کند

انقلاب متکی به نیروی عظیم زحمتکشان روستا، بزرگ مالکی را ریشه کن کرد. نیروی بزرگ مالکان در برابر نیروی توده های میلیونی کشاورزان زحمتکش، هیچ است.

انقلاب متکی به خلق زحمتکش، با نیروی خلق زحمتکش، می تواند به پیروزی قطعی و نهایی برسد. انقلاب باید مدام و با قاطعیت بسوی اهداف ضد امپریالیستی و مردمی خود پیش رود، تا نیروی ضدانقلاب را بتواند بربود و به پیروزی قطعی و نهایی دست یابد. با انقلاب نباید یازی کرد. نباید از سرعت پیشرونده انقلاب کاست. بیم از رویارویی با ضدانقلاب، تعلل در شکستن پایگاههای اجتماعی - اقتصادی ضدانقلاب، تضعیف انقلاب و تقویت ضدانقلاب است.

انقلاب حق ندارد برای خود خطر بترشد و یا تحمل خطری کند؛ انقلاب نمیتواند در نیمه راه بماند، نمی تواند متوقف شود. اگر انقلاب به حرکت پیشرونده خود ادامه ندهد، سیر قهقرائی میکند. انقلاب، سکون پذیر و توقف پذیر و سستی پذیر نیست. به پیش در راه دستیابی به اهداف انقلاب، بسود خلق قهرمان، زحمتکش، ستم دیده و غارت شده، به پیش بسوی پیروزی قطعی و نهایی انقلاب!

سخنرانی نماینده سازمان جوانان توده ایران در بیروت

اسرائیل جنوب لبنان را بمباران میکند، رژیم صدام جنوب ایران را

از تاریخ ۱۹ تا ۲۷ اسفند ۱۳۵۹ (۱۸ تا ۲۵ مارس ۱۹۸۱) جلسه کمیته اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات و میتینگ هم - بستگی جوانان جهان با مردم لبنان، با شرکت یاس عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست مترقی لبنان، جورج حاوی دبیرکل حزب کمونیست لبنان و دیگر رهبران جنبش انقلابی لبنان و انقلاب فلسطین و نمایندگان ۷۴ سازمان ملی جوانان از ۶۴ کشور جهان، در بیروت، پایتخت جنگزده لبنان برگزار شد. از ایران هیئت نمایندگی سازمان جوانان توده ایران، که عضو کمیته اجرایی و بنیانگذاران فدراسیون است، در این مراسم شرکت جست.

سخنان ولید جنبلاط و یاس عرفات

در مراسم افتتاحیه اجلاس رهبران جنبش ملی لبنان و انقلاب فلسطین نیز شرکت کردند. ولید جنبلاط (پسر کمال جنبلاط) رهبر حزب سوسیالیست مترقی لبنان و جنبش ملی لبنان، در سخنان خود از جمله چنین گفت: "باید ماقصود نبرد برای خلق فلسطین و علیه اسرائیل نیست. ما هیچگونه ادعای از بین بردن خلق یهود را نداریم. نبرد ما نبرد برای تشییت آزادی و استقلال واقعی است. ما آرزو داشتیم که برخی رژیم های عربی تمام نیرو و توان و ثروت و تسلیحات خویش را واقعاً در اختیار انقلاب فلسطین می گذاشتند، نه این که مرتباً بر آن فشار بیآورند و آن بخواهند که موضع گیری های بکنند که ربطی به مسئله فلسطین ندارد."

یاس عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در سخنان خود گفت: "همانطور که برادرم ولید جنبلاط گفت، ما به جهانیان و اعراب می گوئیم: مادعای شما نمی خواهیم. ماشمشیر - های شما را می خواهیم تادرکنار نیرو - های ما مشترکاً علیه امپریالیسم و صهیونیسم بجنگد."

نماینده ایران: این است چهره واقعی رژیم صدام!

نماینده سازمان جوانان توده ایران، در سخنان خود، که با استقبال شدید شرکت کنندگان در اجلاس مواجه شد، به تشریح انقلاب شکوهمند مردم ایران و نقش امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، پرداخت و ضمن پرشور شدن توطئه های امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای براندازی انقلاب ایران به جنگ رژیم تجاوزگر صدام اشاره کرد. نماینده سازمان جوانان توده ایران به افشای ماهیت تجاوزگرانه رژیم صدام پرداخت و بارزانه عکس و نمونه های متعدد، نمایندگان جوانان جهان

را در جریان بمباران خانه های مسکونی مردم بی دفاع در شهرهای جنوبی ایران قرارداد. وی با اشاره به شباهت میان اوضاع جنوب لبنان با جنوب ایران گفت: "همانطور که جنوب لبنان اشغال شده اسرائیل صهیونیست اشغال شده مسکونی مردم بی گناه را بمباران می - کنند، تا آن ها از ترس، خانه و کاشانه خویش را رها کنند و راه را برای فالانژ - یست های سعد حداد باز نمایند، جنوب ایران نیز به دست صدام حسین جنایتکار اشغال شده و شهرهای جنوب و غرب ایران توسط رژیم صدام مرتباً بمباران میشوند."

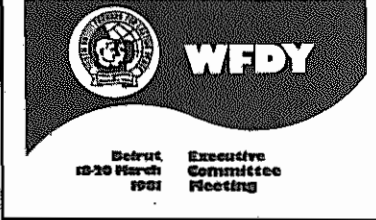
نماینده کمونیست ایران: این است چهره واقعی رژیم صدام!

وی سپس همبستگی جوانان ایران را با جوانان انقلابی سراسر گیتی بویژه جوانان لبنان و فلسطین اعلام داشت. **نماینده کمونیست ایران:** **تجدید مبارزه با امپریالیسم** **مقابل تشدید سیاست های تحکیم همبستگی در** **تجدید مبارزه با امپریالیسم** **مقابل تشدید سیاست های تحکیم همبستگی در**

محکوم کردند و ضرورت تحکیم جنبش جهانی جوانان را بر شمرند. نماینده اتحادیه جوانان کمونیست لبنانی اتحاد شوروی (کسومول) در سخنان خود حمایت بیدریغ اتحاد شوروی را از جنبش های انقلابی سراسر گیتی اعلام داشت و ضمن اشاره به تشدید سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم، تلاش برای تنش فزایی از سوی هواداران جنگ سرد و کوشش های دولت جدید آمریکا برای تحکیم پایگاه های نو - استعماری خود در سراسر جهان، خواهان تحکیم همبستگی همه نیرو - های انقلابی جهان شد.

نماینده اتحادیه جوانان کمونیست کوبا در سخنان خود حمایت خلیل ناپذیر کوبای انقلابی را از مردم نیکاراکوئه، السالوادور، لبنان، فلسطین و همه انقلابیون جهان اعلام داشت.

نماینده "جوانان کمونیست السالوادور" همبستگی جوانان السالوادور را با تمام خلق هایی که به خاطر آزادی، دمکراسی و ترقی اجتماعی و علیه امپریالیسم، فاشیسم و نژاد - پرستی مبارزه می کنند، اعلام داشت و به تشریح اوضاع السالوادور پرداخت و در مقابل خطر دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا هشدار داد.



نماینده جوانان ساندینیست (نیکاراکوئه) در سخنان خود از مردم جهان خواست که تمام تلاش خود را برای جلوگیری از ایجاد یک مرکز جدید تشنج در جهان به کار گیرند و با اقدامات اعتراضی خود مانع دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا در السالوادور گردند.

نماینده اتحادیه جوانان انقلابی سوریه در سخنان خود پیمان دوستی سوریه و شوروی را گام مهمی در جهت ایجاد توازن استراتژیک در منطقه و احقاق حقوق اعراب و خدمتی به صلح جهانی خواند و به توطئه های سرویس - های امنیتی آمریکا و رژیم های اتجاعی سادات و ملک حسین علیه سوریه اشاره کرد.

گردهمایی جهانی جوانان در بیروت، در شرایطی که امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، رژیم صهیونیستی اسرائیل و نیروهای مرتجع لبنان و جهان عرب حملات خویش را علیه انقلاب فلسطین و جنبش انقلابی لبنان تشدید کرده اند، دارای اهمیت عظیمی است. این گردهمایی، که همبستگی عمیق جوانان مترقی جهان را با مردم و جوانان قهرمان فلسطین و لبنان به نمایش گذارد، گام ارزنده ای در تحکیم جنبش جهانی جوانان در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم، نژاد پرستی و ارتجاع و بخاطر آینده سعادت مند بشری است.

تلاش دولت لیبی برای چیرگی بر واپس ماندگی کشاورزی

از انقلاب سپتامبر ۱۹۶۹ تاکنون، توسعه هشتدهانه بخش کشاورزی بخش مهمی از استراتژی اقتصادی لیبی را تشکیل میدهد. باید یاد آور شد که لیبی در گذشته بیش از ۶۰ درصد خواربار مورد نیاز خود را وارد میکرد. در زیر نگاهی به تولید برخی از فرآورده های کشاورزی در لیبی در سالهای گذشته می افکنیم:

Table showing agricultural production in Libya from 1977 to 1979. Columns: Year, Wheat (kg), Cotton (kg), Dates (kg), Olives (kg). Rows: 1977, 1978, 1979. Values are in thousands of tons.

لیبی، برای چیرگی بر واپس ماندگی کشاورزی و تامین فرایند خود کفایی در مورد مهم ترین فرآورده های کشاورزی، به دو شیوه گوناگون دست می یازد: از یکسو، با کاربست تکنیک مولد و تجهیزات مدرن، تولید را زرفشی میدهد؛ از سوی دیگر، با توسعه زمینهای زیر کشت، تولید کشاورزی را گسترش می بخشد. در لیبی، بسبب آب و هوای نامساعد، تنها ۲۱ درصد سرزمین پدری کشاورزی می خورد. از اینرو، پروژه استفاده از زمین های بایر، که زیر

شمار «انقلاب سبز» تحقق می یابد، از اهمیت ویژه برخوردار است. در نظر است که با سرمایه گذاریهای هنگفت در این زمینه، به افزایش تولید کشاورزی کمک شود. در این گستره، دولت لیبی زمین کفی در اختیار دهقانان بی زمین قرار میدهد و میکوشد تا، با تامین شرایط زندگی و کار دلپذیر، آنها را به کار کشاورزی ترغیب کند. در برنامه پنجساله ۱۹۸۰-۱۹۷۶، ۱۷۲ درصد کل سرمایه گذاریها مصرف کشاورزی شد. از این مبلغ، که بالغ بر ۱۶ میلیارد دینار لیبی (در حدود ۴۰۰ میلیون دلار) میگردد، ۶۵ درصد برای توسعه زمین های زیر کشت بکار رفت.

یکی از بزرگترین مراکز توسعه زمین پروژه «سراب کفره»، منطقه ای واقع در صحرای جنوب خاوری لیبی و به مساحت ۱۰ هزار هکتار است. از آنجا که این منطقه از نظر آب و هوا فوق العاده نامساعد است، پروژه «سراب کفره» در قاره آفریقا بی نظیر می نماید. دولت لیبی در نظر دارد که ۳۰ میلیون دینار لیبی (۱۰۱ میلیون دلار) صرف این پروژه بکند. بعقیده کارشناسان، در این منطقه ۲۰۰۰ کیلومتر مکعب آب زیرزمینی موجود است، که بکمک آن میتوان ۱۰۰۰۰۰ هکتار زمین را بمدت ۹۰۰ سال آبیاری کرد.

مانند بسیاری دیگر از پروژه ها، از پروژه «سراب کفره»، در درجه نخست، برای گوسفندداری استفاده خواهد شد. قرار است که در این منطقه سالیانه ۲۶۰ هزار رأس گوسفند پرورش یابد. فزون بر این، در اینجا گندم و جو کشت خواهد شد. سبزیجات و میوه های «سراب کفره»، نه تنها

نیازمندیهای محلی را تامین خواهد کرد، بلکه به منطقه ساحلی نیز حمل خواهد گشت. پروژه های عمرانی منطقه «کفره» نشان میدهد که رهبری لیبی کوشش فراوان دارد، تا بخش کشاورزی را از راه سرمایه گذاریهای هنگفت و دیگر تدابیر سرعت توسعه دهد. در برنامه پنجساله کنونی (۱۹۸۰-۱۹۸۱) نیز این کوشش ادامه می یابد. بموجب این برنامه، ۱۹ درصد کل سرمایه گذاری ۹۹ میلیارد دیناری (۳۳۰۰ میلیارد دلار) لیبی، به بخش کشاورزی اختصاص داده خواهد شد.

در ششمین اجلاس «کنگره عمومی جماهیر سوسیالیستی - عربی خلق لیبی»، که نزدیک به چهارماه پیش برگزار گشت، دبیر مسئول کشاورزی گفت که تولید کشاورزی در پنج سال گذشته، برغم برخی نوسانات، بطور میانگین ۳۰ درصد افزایش یافت. دستاوردهای کنونی بویژه از آنجهت ارزنده است که، کوشش های خلق لیبی برای توسعه کشاورزی با دشواریهای چند روبرو بوده است. مهمترین این مسائل عبارتست از: کمبود کارشناسان، سطح نازل سواد عمومی، کم تجربگی در زمینه مدیریت کشاورزی مدرن، محدودیت زیرساختها، نامساعدی آب و هوا و عدم کفایت اشکال تعاونی تولید.

جدول زیر شاخص تولید کشاورزی را در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۷۰ نشان میدهد:

Table showing agricultural production in Libya from 1977 to 1979. Columns: Year, Wheat (kg), Cotton (kg), Dates (kg), Olives (kg). Rows: 1977, 1978, 1979. Values are in thousands of tons.

در حال حاضر دولت لیبی کوشش های خود را بویژه صرف واگذاری اعتبار تحت شرایط مساعد، وارد کردن ماشین های مدرن و بذر اعلی و پرداخت کمک هزینه به تولید کنندگان خواربار میکند. برای نمونه، قیمت رسمی خریداری غلات به مراتب بالاتر از قیمت وارداتی آنست. از سوی دیگر، دولت خریداری همه فرآورده های کشاورزی بومی را تضمین میکند.

کوششهای دولت لیبی همچنین توسعه شبکه ترابری و برق و بهبود خدمات اجتماعی و غیره را در بر میگیرد. نخستین پیامدهای موفقیت آمیز تشویق بخش کشاورزی هم اکنون مشهود است. دولت لیبی توانسته است، پایبای گسترش زمین های کشاورزی، در بر تو افزایش قیمت نفت، از مهاجرت روستاییان به شهرها جلوگیری کند. امروزه حتی شواهدی چند حاکی از آنست که نیروی کار در کشاورزی افزایش می یابد. یکی از علل این پدیده را باید در بهبود شرایط زندگی در روستاها جستجو کرد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

محرکین اعتصابها تکذیب می کنند!

در شرایط روپارویی با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، محاصره اقتصادی توسط امپریالیسم و ضرورت قطع وابستگی به امپریالیسم، "نامه مردم" همواره به طبقه کارگر هشدار داده است که برای جلب توجه مقامات مسئول به خواستهای رفاهی خود، به حربه اعتصاب و تحصن و کم کاری متوسل نشوند و از طریق مذاکره با مقامات مسئول خواستهای منطقی خود را بقبولانند. ماهواره از کارگران دعوت کرده ایم که با زور کار خود را در خدمت انقلاب بگذارند، با تدارک جبهه پشت جبهه، مبین انقلابی را از خطر سلطه مجدد امپریالیسم نجات دهند و با کار بیشتر و تولید بیشتر، نیاز کشور را حتی المقدور تامین کنند و بدینسان از میزان وابستگی به خارج بکاهند.

"نامه مردم" در عین حال، هرگاه خبری و نشانه‌ای و علامتی از فعالیت عوامل خرابکار در برانگیختن اعتصابها و یا ایجاد جو آشوب و درگیری در کارخانهها و موسسات تولیدی و خدماتی دریافت داشته، بلافاصله واکنش نشان داده است؛ از سویی از مسئولان خواسته تا با اجابت خواستهای منطقی کارگران، زمینه فعالیت ضد انقلاب را بی رنگ سازند و از سویی دیگر کارگران را متوجه دامهای ضد انقلاب ساخته و آنان را دعوت به استفاده از شیوههای گفتگو و مذاکره دوستانه با مقامات مسئول برای حل دشواریهای خود نموده است. گفتنی است که خوشبختانه هم توصیههای "نامه مردم" در میان کارگران تاثیر مثبت خود را داشته و مقبول افتاده است و هم اعضاء و هواداران حزب توده ایران شاغل در کارخانهها و موسسات تولیدی و خدماتی با تلافیهای بی وقفه خود، همراه با سایر نیروهای انقلابی، بویژه مسلمانان انقلابی، توفیق یافته اند که در بسیاری از موارد فعالیتهای ضد انقلاب را خنثی کنند و تحریکات عوامل خرابکار را در برانگیختن کارگران به اعتصاب و تحصن عقیم گذارند.

این روش انقلابی "نامه مردم" مورد پسند خرابکاران و محرکان اعتصابهای کارگری نیست. اینان که بر اثر هشدارهای نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده ایران، نقش ضد انقلابی خود را برآب می بینند و موفق به برانگیختن اعتصاب نمی شوند، پس از ناکامی، اغلامیه و بیانییه و تکذیب نامه صادر می کنند که اصلا از اول قصد اعتصاب در میان نبوده و این حزب توده ایران است که گویا با شایعه سازی درباره اعتصاب، می خواسته کارگران را به اعتصاب بکشاند!

ما نیازی به پاسخگویی به این کارگران ضدانقلاب نداریم، که چون برنامههای آشوب انگیزشان را عقیم کرده ایم، قصد انتقام کشی دارند. گواه صداقت ما همان کارگران هستند که با توجه به توصیههای ما و سایر نیروهای انقلابی دست در برسینه عوامل خرابکار و تفرقه انگیز نهادند.

تجربه دوران پس از پیروزی و به ویژه تجربه جنگ تحمیلی نشان می دهد که ضدانقلاب، علیرغم همه تلاشهای خود، برای جدا ساختن بخشی از کارگران از انقلاب، شکست خورده است. "نامه مردم" مفتخر است که در این شکست سهم شایسته خود را ادا کرده و راه و چاه را به کارگران نشان داده است.

کارگاه نمک حیدری:

در میان کارگاههایی که در امتداد جاده ساوه قرار دارند، چند کارگاه نمک چشم می خورد.

کارگاه نمک حیدری، در کیلومتر ۱۶ جاده ساوه، یکی از این کارگاههاست. این کارگاه از یک محوطه خاکی هزارمتر باصدمتری با سقسی از حلیب تشکیل یافته است. گردنمک از جرز دیوارها تا چهره کارگران، همه جا پوشانده است. در این کارگاه سیزده کارگر کار می کنند. دونفر از آنها عهده دار خرید کردن سنگ نمک بوسیله ترهستندویک کارگر دیگر است. دستگاه نمک خردکن کار می کند. بیشتر کارگران این کارگاه لر و یا آذربایجانی هستند. با چند تن از آنها سر صحبت را باز کردیم. علی، اهل لرستان، گفت:

"حقوق کارگران این کارگاه بین هفتصد تا یک هزار ریال در روز است. یک کارگر دوازده ساله بنام مجتبی هم در اینجا کار می کند که هنوز بعد از گذشت سه ماه وضع حقوقش روشن نشده است." یک کارگر خوزستانی بنام محمد گفت:

"شش ماه است که در این کارگاه کار می کنم و اکنون حقوقم به هفتصد ریال رسیده است. همه میدانند که با این پول زندگی کردن خیلی دشوار است. ما در ماه سی روز حقوق می گیریم، یعنی بابت جمعهها نیز بما حقوق تعلق می گیرد، ولی روزهای تعطیل رسمی را باید کار کنیم. اگر یکروز حتی با عذر موجه غیبت کنیم، حقوق آن روز به ما تعلق نخواهد گرفت. ناگفته نماند که هیچکدام از ما بیمه نیستیم."

یک کارگر آذربایجانی وارد گفتگوی ما شد و گفت:

"بالا ترین حقوق این کارگاه را، که روزی هزار ریال است، من می گیرم. شما خودتان حساب کنید که آیا این پول کفاف زندگی من و همسر و فرزندم را میدهد؟ ولی مادر این موقعیت دشوار انتظار زیادی از دولت نداریم. اگر امام خمینی دستور دهند، همه ما همین امروز روانه جبهه های جنگ می شویم." کارگر آذربایجانی دیگری در دنباله سخنان او گفت:

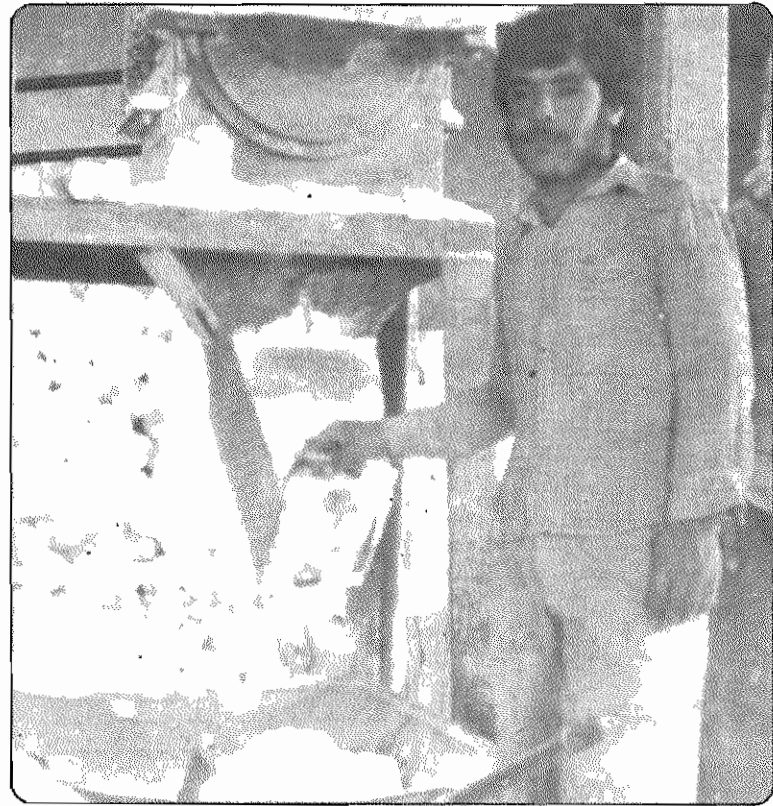
"من در مدت چهل و پنج سال عمری که کرده ام، روزی را بیاد ندارم که کار نکرده باشم. امروز بعد از گذشت نیمی از عمرم فقط روزی هشتاد تومان دستمزد می گیرم، آنهم در این شرایط سختی که ما کار می کنیم. هوای این کارگاه زمستانها خیلی سرد و تابستانها بسیار گرم است، زیرا سقف آن از حلیب است. از هواکش و سایر وسایل راحتی و ایمنی هم خبری نیست و ما مجبوریم بجای هوا، نمک تنفس کنیم، با همه این دشواریها اگر قرار باشد برای نجات کشور بقیه عمر خود را نیز تمام ما به کار سخت بگذرانیم، حاضریم. ما در مقابل دشمنی چون آمریکا قرار گرفته ایم و باید برای مقابله با آن هرگونه سختی و کمبود را تحمل کنیم. دولت هم باید با کار در جهت مستضعفین، ما را در این مبارزه یاری دهد."

او در ادامه سخنانش اظهار داشت:

"ما مثلا از همین طرح کوپنی کردن ما بحتاج زندگی - با اینکه بیشتر ما شناسنامه های خود را در دست داریم و کوپن به ما تعلق نمی گیرد - رضای هستیم. این قبیل اقدامات مایه امید و دلگرمی ما است."

در هزاران کارگاه و کارخانه

نمونه ای از شرایط سخت کار و ایثار و روشن بینی کارگران



کارگر نمک خردکن: ما اینجا به جای هوای آزاد نمک تنفس می کنیم

مستولان امر باید برای رفع اشکالات کاری و کمبودهای اجتماعی کارگران به اقدامات قاطع، چون دولتی کردن کارخانه های بزرگ، تعمیم دادن قانون بیمه های اجتماعی، کوتاه کردن دست واسطه ها، ملی کردن بازرگانی خارجی و ... دست بزنند.

کوچک و بزرگ این مرزوبوم، کارگران از هر ملیت، با هر زبان و در هر شرایط زیستی، در جهت تعمیق انقلاب و مبارزه علیه ضدانقلاب می کوشند. کارگاه نمک حیدری نمونه ای است از شرایط سخت کار و ایثار و روشن بینی کارگران آن، که نظیر آن بسیار وجود دارد.

به خواستهای کارگران زیر پوشش صنعت نفت امیدیه - آغا جاری رسیدگی کنید

از ۱۰ درصد شروع شده تا ۳۵ درصد و شب کار دائم ۴۵ درصد اضافه می گیرند؛ کارگران زیر پوشش دو نوبت ۵ درصد سه نوبت کار و شب کار دائم ۱۰ درصد اضافه می گیرند؛

- ۱- حق راه: به کارگران رسمی بر حسب کیلومتر تعلق می گیرد؛ به کارگران زیر پوشش تعلق نمی گیرد؛
- ۲- وام مسکن: کارگران رسمی از وام تهیه مسکن مبلغ ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان استفاده می کنند؛ کارگران زیر پوشش از وام استفاده نمی توانند؛
- ۳- مزایای کارگران فوتی: کارگران رسمی مبلغ ۳۰ هزار تومان پول نقد دریافت می دارند؛ کارگران زیر پوشش هیچ چیز دریافت نمی دارند؛
- ۴- مزایای بازنشستگی: به کارگران رسمی بر حسب سنوات خدمت در شرکت که در منطقه است، استفاده می کنند؛

پرداخت می گردد؛ به کارگران غیر رسمی پرداخت نمی گردد، چون شرکت مدعی است سنوات خدمت آنان نزد بیمه انکاران است؛

- ۵- حق مأموریت: کارگران رسمی بر حسب رتبه سازمانی و شغل، مبلغی را بعنوان حق مأموریت از شرکت می گیرند؛ به کارگران زیر پوشش اصلا تعلق نمی گیرد؛
- ۶- اضافه حقوق و رتبه: کارگران رسمی بر حسب رتبه مشخصی که دارند، علاوه بر اضافه حقوق ثابت، اضافه حقوق رتبه شرکتی را نیز دریافت می دارند؛ ولی کارگران زیر پوشش فقط اضافه حقوق ثابت دولتی را دریافت می دارند، چون رتبه مشخصی ندارند؛
- ۷- استفاده از بیمارستان شرکت: کارگران رسمی از بیمارستان شرکت نفت که در منطقه است، استفاده می کنند؛

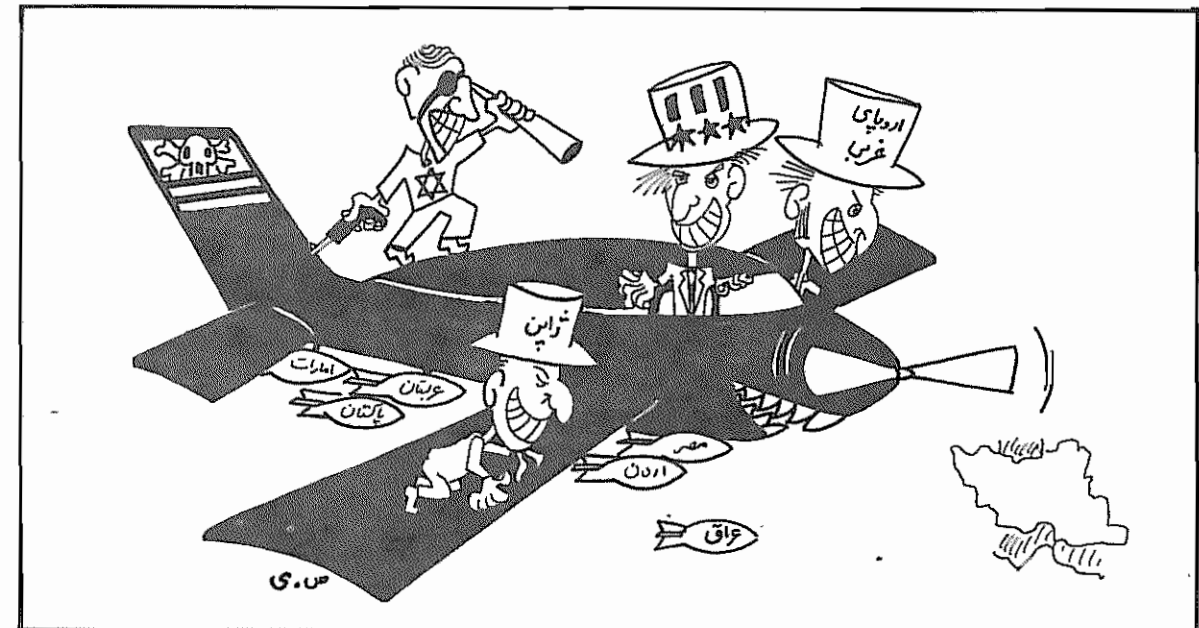
کارگران زیر پوشش بطور ترتیب نشده، فعلا در شرایط جنگی از بیمارستان استفاده می کنند؛

۱۱- هزینه ایساب و وهاب: از کارگران رسمی جهت رفت و آمد از سرویس های شرکت نفت کرایه کم نمی شود؛ ولی از کارگران زیر پوشش روزانه مبلغ ۴۰ ریال هزینه در صورت استفاده کاسته می شود.

کارگران پیمانی سابق شرکت نفت، که در امیدیه تعداد آنها تقریبا به ۱۳۲۰ نفر می رسد، بحق از مسئولین امر خواستار رسیدگی عاجل به مسائل فوق هستند.

یکی از کارگران زیر پوشش شرکت نفت در شکایت از وضع خود می نویسد: «... امام بارها فرمودند که هیچ گروه و طبقه ای نسبت به طبقه دیگر فرقی ندارد و باید رفیع تبعیض شود. آیا شرکت نفت مشمول قانون کار و جزء وزارتخانه های دولتی نیست؟ اگر هست، پس چرا به وضع کارگران زیر پوشش رسیدگی نمی کند و کارگران زیر پوشش از مزایای شرکت تنها از جیره خواربار استفاده می کنند، آنهم بصورت ناقص؟» مسئولین امر با رسیدگی به خواستهای برحق کارگران و حل مشکلاتشان، کام مسمی را در جهت تعمیق انقلاب بر خواهند داشت.

کشاندن کارگران
به اعتصاب و تحصن
و درگیری،
توطئه
ضد انقلاب است



تجربه دوران پس از پیروزی و به ویژه تجربه جنگ تحمیلی نشان می دهد که ضدانقلاب، علیرغم همه تلاشهای خود، برای جدا ساختن بخشی از کارگران از انقلاب، شکست خورده است. "نامه مردم" مفتخر است که در این شکست سهم شایسته خود را ادا کرده و راه و چاه را به کارگران نشان داده است.

دهقانان میبویستند:

مشکلات پرورش گرم ابریشم

روستاییان و نوغانگران روستای آبتکار بندرانزلی، نامه‌های به وزیر کشاورزی، آقای محمد سلامتی نوشته در آن مشکل خود را مطرح ساخته‌اند. این زحمتکشان در نامه خود ابتداء سیاست ویرانگر رژیم گذشته در ارتباط با پرورش گرم ابریشم اشاره کرده و متذکر شده‌اند که این سیاست مخرب، موجب مهاجرت پرورش دهندگان گرم ابریشم و ویرانی روستا گردید. دهقانان سپس نوشته‌اند:

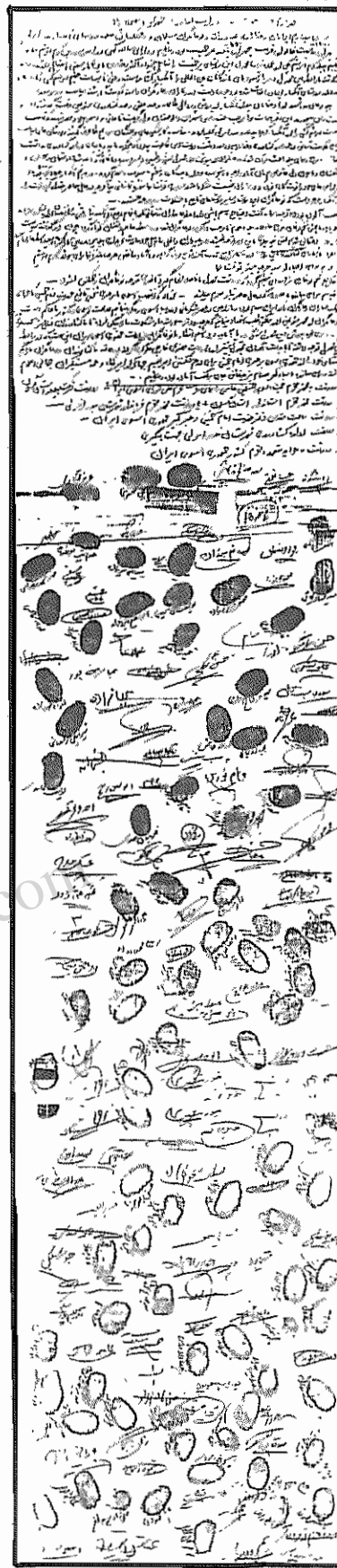
"... در قدیم آبتکار حدود چهارصد هکتار از اراضی خود را توت کاری نموده که در بهار آن طبیعت شکوفا میشد. سرسبزی توستانها منظره تماشایی میافرید. در حال حاضر مقدار کمی توت زار در آبتکار موجود است و نوغانگران این روستا و سایر روستاهای تابع با مشکلات زیر مواجه هستند:

بعلت آلوده بودن توستانها به آفت، احتیاج به سم پاشی است و نوغانداران به تنهایی قادر به آن نیستند و نیاز حتی به کارشناسان اداره کشاورزی دارند. نوغانداران برای آموزش و آشنائی با روشهای درست پرورش گرم ابریشم احتیاج به کارشناس دارند.

همزمان با پخش تخم نوغان، نرخ عادلانه پيله اعلام نگردد، تا موجب دلگرمی نوغانگران شود و واسطه‌ها هم دستشان کوتاه گردد. در گذشته بعلت سیاست منحوس و ضد دهقانی رژیم لعنتی پهلوی به این امر توجه نمیشد و سرمایه‌داران داخلی بنا به میل خود مبادرت به خریداری پيله میکردند و این کار اکثر با وسیله واسطه‌ها انجام میشد.

وام برای احیاء توستان و سم برای مبارزه با حلزون خواست‌های دیگر تولیدی این دهقانان است. روستاییان، در پایان نامه نوشته‌اند:

"ما نوغانگران از محضر مسئولین امور مملکتی طلب استمداد مینمایم که هر چه زودتر به خواست‌ها و مشکلات ما رسیدگی نموده تا ما کشاورزان فعالتر، سخت‌کوش‌تر و بیشتر برای نحوه پرورش این محصول سنتی دیرپا آماده بوده باشیم. انتظار ما نوغانگران از دولت جمهوری اسلامی ایران این است که در رابطه با این محصول توجه داشته، تا با بدست آوردن محصول بیشتر از واردات مصنوعی خارجی جلوگیری گردد. در خاتمه ما کشاورزان و نوغانگران بار دیگر پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی برای درهم شکستن امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا و همه مستکبران جهانی اعلام داشته و برای مبارزه با سپاه کفر صدام یزید خائن



جان برکف آماده بوده و میباشیم. این نامه همراه خود بیش از صد امضاء و اثر انگشت دارد.

در انتظار اجرای فوری و عملی بند «ج» و بند «د» قانون اصلاحات ارضی

و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به خبرگزاری رسمی پارس، و نامه پیش از یکصد تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی را به امام خمینی در زمینه لزوم اجرای فوری بند "ج"، نویدی در جهت آغاز یک دوران فراز بعد از نشیب پاییزی و زمستانی ارزیابی کردیم. بدین جهت است که موضع گیری‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در روزهای اخیر و سخنان مسئولان دولتی را نیز در همین سمت امیدبخش - که همه در انتظار عملی شدن آن هستند - می دانیم.

آقای بهزاد نبوی، وزیر مشاور و سخنگوی دولت، که در مراسم راه پیمایی مردم زحمتکش تبریز به مناسبت روز اول ماه مه، سخنرانی داشت، به راه پیمایان قول داد که به زودی بند "ج" اصلاحات ارضی اجرا خواهد شد. آقای سلامتی وزیر کشاورزی در سفر اخیر خود به استان سیستان و بلوچستان وعده داد که به زودی تکلیف تعیین خواهد شد و قانون اجرا خواهد گردید.

تمام کسانی که خود را پیرو و پشتیبان خط امام می‌دانند و به خصلت عمیقاً مردمی آن ایمان دارند، میدانند که انقلاب را جز با تکیه به زحمتکشان و دفاع از منافع حقه‌کوخ نشینان در برابر کاخ نشینان، اربابان و عمده مالکان، نمیتوان تثبیت کرد و تعمیق بخشید. آنجا جادو مصرانه خواستار اجرای فوری بند "ج" و اگر بخواهیم دقیقاً مطابق تقسیم بندی خود قانون و آیین نامه آن سخن بگوئیم بند "ج" (مربوط به اراضی بایر بزرگ مالکان) و بند "د" (مربوط به اراضی دایر بزرگ مالکان) شده‌اند.

حجت الاسلام مهدی کروی، که خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی است، در مجلس از دسایس پرتزویر بزرگ مالکان پرده برداشت و منجمله گفت:

"مسئله زمین مطرح میشود، فریاد محرومین برخاسته است، که مثلاً چرا بند "ج" اجرا نمیشود، یکباره ما می بینیم که افرادی را می‌بافند و جوسازی میکنند. در خانه مراجع و الامقام می روند و قضایای عجیبی را مطرح میکنند. در مشهد شنیدیم میشود یک نفر را بعنوان کشاورز آورده اند که: "ببینید! این سه گاو داشت دو گاو او را گرفته‌اند."

مرحله جدیدی در روند اصلاحات ارضی بنیادی در مین انقلابی ما در حال آغاز شدن است. اگر واقعه بعد از یک دوران اسفبار هفت ماهه نشیب، دوباره انقلاب سیر صعودی خود را. در این عرصه حیاتی از سرگیری دوباره نظام پوسیده بزرگ مالکی، با اجرای تمام و کمال فوری قانون، ضربه قطعی و نهائی را وارد آورد، آنوقت میتوان گفت که انقلاب بزرگ ما، بعد از دو سال تاخیر، بالاخره به یکی از مهمترین هدف‌های خود نائل شده است.

هفته اول اردیبهشت را نویدی بر پایان دوران نشیب دانستیم، زیرا که از مسئول ترین مقامات و به جدی ترین وجهی، وعده اجرای قانون و اقدام مشترک دولت و مجلس در این زمینه اعلام گردیده است. قانون واگذاری زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین، مصوبه فروردینماه ۵۹، در آبنا ما گذشته، بعد از حمله آمریکائی صدام به مین انقلابی ما، متوقف شد. بند "ج" و بند "د" آن، که نکته‌گره‌های شیره حیاتی آن بود، موقتا معوق ماند. این، نتیجه توطئه مشترک بزرگ مالکان و سرمایه داران لیبرال و روحانی نمایان ضد خط امام و همه وابستگان به ضد انقلاب بود، که اتخاذ چنین تصمیمی را در شرایط سخت آغاز جنگ و کشت پائیزه به انقلاب تحمیل کردند. به قول ستاد واگذاری زمین، زیر فشار و تضییقات بزرگ مالکان بود که انقلاب ناچار شدند "ج" و بند "د" مربوط به واگذاری اراضی بزرگ مالکان را (بند) های الفوب مربوط است به اراضی موات و اراضی مفاد شده، که در اختیار دولت است) معلق کند و بیگ عقب نشینی موقت دست زند. این واقعه تاسف همه انقلابیون و نارضائی همه دهقانان زحمتکش و جانبدار انقلاب را بر انگیخت و نشیبی جدی در امر اصلاحات ارضی به شمارفت.

اما اکنون این نوید شنیده می شود که به بانک حق طلبانه میلیون ها دهقان و به خواست مصرانه همه انقلابیون و همه کسانی که به جان بخشی و صلابت خط امام خمینی و دولت خلقی آن معتقد هستند، به زودی پاسخ شایسته داده خواهد شد. بدین جهت است که ما سخنان آیت اله دکتر بهشتی را، بعد از یک دیدار با امام خمینی، رهبر انقلاب

هشدار در مورد گسترش فعالیت های فئودالها و خوانین فارس

در این درگیری همچنین ده نفر مجروح شدند.

عصر روز حادثه، دهقانان روستای کوهگرد به منزل یکی از بزرگ مالکان داراب و عامل مستقیم قتل اسد کشاورز، به نام بهرام خان بهارلو رفتند و از سپاهیان پاسدار منطقه داراب خواستار دستگیری وی شدند.

بنا بر اطلاعات رسیده، بهرام خان بهارلو، برادر حسن خان بهارلو، که سردمداری این تحریکات را به عهده دارد، بزرگ مالکی است که اموالش مصادره شده و اکنون نیز متواری است. وی که با ناصر قشقای و خسرو قشقای هم در ارتباط است، مدتی است که به طور پنهانی روابطی بین خوانین منطقه فسا برقرار کرده است.

گزارشهای رسیده حاکی است که پس از حادثه قتل این دهقان جوان، گروهی از خوانین و مالکین این مناطق به نام های محمد خان بهارلو، لهراسب خان یزدان پناه، ایرج خان بهارلو و خسرو سالاری دستگیر شدند. بنابه گفته اهالی، محمد خان بهارلو با تباری برخی از خوانین منطقه، مدتی است که گرفت و آمده های مشکوکی به منطقه فسا دارد. او درگیری های زیادی بین عشایر افهمی و کلاه خوش، که در قریه های دوازده چاه و سه چاه

عوامل یکی از خان های فارس دهقان جوانی را کشتند

در حمله عوامل فئودالها و خان های داراب به یک گروهی از روستاییان، دهقان جوانی کشته شد و چند نفر دیگر از روستاییان مجروح شدند.

به دنبال اجتماع دهقانان روستای کوهگرد، از توابع داراب، به منظور تشکیل شورای اسلامی این روستا، در روز سه شنبه ۳۱ فروردین ۶۰، بزرگ مالکان منطقه، که تشکیل این شوراهای مخالف منافع خود می دیدند، عده ای را به منظور برهم زدن اجتماع روستاییان به محل تجمع آن ها گسیل داشتند. این عوامل موفق شدند که جلسه روستاییان کوهگرد را برهم زنند و آن ها را وادار به ترک محل کنند. پس از رفتن روستاییان، عمال خوانین و بزرگ مالکان، که این تحریکات را کافی نمی دیدند، با روستاییان به مشاجره پرداختند، و عاقبت کار را به درگیری مسلحانه کشاندند. در نتیجه این درگیری، اسد کشاورز، دهقان جوانی که مدت ها بود با خوانین و فئودال های منطقه مبارزه می کرد، هدف گلوله عوامل فئودال ها قرار گرفت و کشته شد.

خوب این راه کس ببیند منقلب می شود که کشاورزی را دوگوش و زمینش را از او گرفته اند. اما راستی این چنین است؟ بپرفرض محال یک کشاورزی دو گاو را بگیرند، اینقدر فریادش به همه جامیرسد که بیاید آنجا؟ یا این مسئله توطئه است؟

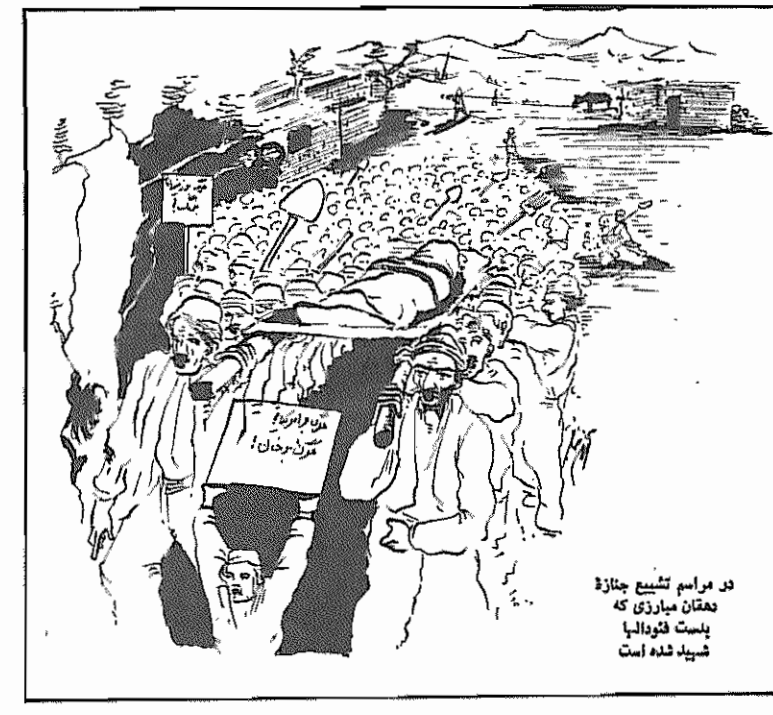
باطمینان میتوان گفت که تمام این صحنه سازی ها و جوسازی های از سبابان و وعاظ السلاطین توسطه است و این توطئه تنها علیه دهقانان تبه دست متوجه نیست، بلکه در عین حال علیه انقلاب ما، علیه جمهوری اسلامی ایران متوجه است، زیرا به این ترتیب و اگر بزرگ مالکی باقی بماند، ماری زهر آگین در آستین پرورانده میشود، پایگاه امپریالیسم و ضد انقلاب دست نخورده میماند، فیلپونپها دهقان ناراضی و مایوس و بدبین میشوند، پایگاه انقلاب در بین وسیع ترین تشریح اجتماعی کشور ماتضعیف میگردد و هرگونه محملی برای رشد اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی و تامین محصول کافی و تولید شکوفا از بین میرود. نویدی که از هفته اول اردیبهشت شنیده شد، سرکوب این توطئه است و بنابراین مشربک پیروزی انقلاب، مدتهاست که وقت اجرای تمام و کمال قانون واگذاری زمین فرار سیده است. دسایس مزورانه بزرگ مالکان و روحانی نمایان وابسته به آنان و سیاست پیشگان جیره خوار آنها واضح تر وی آبروترازا نیست که بتواند مانع پیشروی انقلاب شود. خرابکاری ها و کار شکنی های ضد انقلابی خوانین و بزرگ مالکان واضح تر از آنست که کمترین تردیدی در لزوم برخورد هر چه قاطع تر و ریشه ای تر با آنها بوجود آید.

میلیونها دهقان زحمتکش چشم انتظار عمل هستند، عمل یعنی اجرای قانون، یعنی باز کردن دست هیت های هفت نفری، یعنی صدور دستور العمل برای انجام بندهای "ج" و "د"، یعنی همان "اقدام مشترک مجلس و دولت" بنحوی که هر چه زودتر نتایج آن بصورت زمین برای دهقانان ملموس شود و برای همیشه کا بوس خفه کننده و تباهی آور بزرگ مالکی و بهره کشی زالووار اربابان از دهقانان، از فضای مین ما رخت بربندد.

ساکن هستند، ایجاد کرده است: هنوز از دستگیری بهرام خان بهارلو خبری در دست نیست.

به دنبال این جنایت فئودال ها، دهقانان روستای کوهگرد، روز اول اردیبهشت ۶۰ مراسم تشییع جنازه دهقان شهید را به یک نمایش ضد فئودالی تبدیل کردند و ضمن دادن شعارهای:

دست فئودال ها از روستاهای ایران کوتاه باید گردد - مرگ برفئودال، مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر امپریالیسم آمریکا - بهرام بهارلو اعدام باید گردد خواستار اجرای هر چه سریع تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه شدن دست فئودال ها از منطقه شدند. این خبر و نمونه های مشابه نگران کننده دیگر همگی از تشدید فعالیت مخرب فئودال ها، بزرگ مالکان و دیگر ضد انقلابیون علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حکایت میکنند. بر مقامات مسئول است که به بائذ توجه ویژه، در صد مقابل با این عناصر برآیند و با اجرای هر چه سریع تر بند "ج" و بند "د" قانون اصلاحات ارضی، ضربه نهایی را بر این عوامل وابسته وارد آورند. ما به خانواده دهقان شهید اسد کشاورز، به دوستان و هم زمان او، به دهقانان زحمتکش کوهگرد صمیمانه تسلیت می گوئیم و یاد او را در شمار دهقانان بی شماری که به دست جنایتکار بزرگ مالکان کشته شده اند، همواره گرامی خواهیم داشت.



در مراسم تشییع جنازه دهقان مبارزی که بیست فئودالها شهید شده است

در مصرف ارز دانشجویی باید اکیداً صرفه جوئی شود

در آستانه پیروزی انقلاب، حدود دویست و پنجاه هزار نفر در کشورهای اروپای غربی و آمریکا «دانشجو» اقامت داشتند، و هر ساله حداقل ۳ میلیارد دلار از درآمد کشور برای آنان ارز ارسال میشد. این جمع کثیرالعدد را هیچ برنامه منظم حساب شده‌ای به خارج نفرستاده بود؛ نه تعداد آنها متناسب با نیازهای کشور بود و نه رشته تحصیلی شان. هریک از گوشه‌های یا انگیزه‌های شخصی به خارج رفته بودند، تا با ارز تحصیلی یا در کشورهای اروپای غربی و آمریکا به تفریح و سیاحت بپردازند، یا در رشته‌های ارزشمند، بی آنکه نیازهای کشور در انتخاب آن ملحوظ شده باشد، نام نویسی کنند، از پس تحصیل در آن رشته برآیند یا برنمایند، به کشور بازگردند و یا بازنگردند. در این میان البته اقلیت هدفمند و درس خوان نیز وجود داشت، که هزینه تحصیل خود را حرام نمیکرد، درس میخواند و در بازگشت دانش و تخصص خود را در خدمت مردم و میهن میگذاشت. انقلاب شد و انقلاب به پیروزی رسید، یکی از عرصه‌هایی که به بررسی جدی نیاز داشت، همین مسئله رسیدگی به وضع دانشجویان ایرانی مقیم خارج بود، که می‌بایست دولت منصوب انقلاب، روشن کند که: اینها کیانند؟ چه تعلق خانوادگی دارند؟ چه مدت بنام تحصیل در خارج مانده‌اند؟ در چه رشته تحصیل کرده‌اند؟ و چه موقع باید بازگردند؟ تا در آئینه ضوابط و مقررات انقلابی، با توجه به سیاستهای جدید و نیازهای مملکت، تسمیاتی درباره آنان اتخاذ کند.

متأسفانه چنین نشد. دولت «کام به کام» با کل سیستم طاغوتی مانده از شاه ملعون، با کم و کاست‌هایی ناچیز، سرآشتی داشت. در نظر سرمایه‌داری لیبرال ایران دانشجویانی در کشورهای اروپای غربی و آمریکا مقیم‌اند و باید بی پروا بر گرد برای آنان ارز فرستاد. چه مسئله‌ای از این بدیهی‌تر؟!

پس از برکناری دولت موقت، باز تجدید نظر در ارسال ارز دانشجویی بعنوان مسئله روز مطرح شد. این جریان تا انتخاب دولت آقای رجائی، که مسئله ارز دانشجویی بطور جدی مطرح شد، ادامه یافت و دولت جدید با ارسال پرسشنامه‌های ارزی، بررسی وضع دانشجویان ایرانی مقیم خارج را در دستور کار خود قرار داد.

بدیهی است که این اقدام دولت، همچنانکه نواقضی دارد، مخالفین جدی‌تری نیز دارد، که سعی دارند جریان را منحرف سازند و مانع از توقف ارسال ارز برای بستگان خود شوند.

دولت پس از دریافت پرسشنامه‌های ارزی، اکنون اسامی ۱۰۰ هزار دانشجویی مقیم کشورهای اروپای را منتشر ساخته، که برای آنها کارنامه ارزی صادر کرده است. دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا نیز که بعلمت بعد مسافت و دیر رسیدن پرسشنامه‌ها، هنوز به وضع تحصیلی شان رسیدگی نشده، فروردین ماه را طبق روال همیشگی ارز دریافت خواهند کرد و در اردیبهشت کارنامه ارزی برایشان صادر خواهد شد. در میان این سیل انبوه تاکنون آنطور که مسئولان اعلام داشته‌اند، به وضع ۱۵ هزار دانشجو رسیدگی شده که ۶۱۰۰ نفر آنان بعلمت آنکه یا اصلاً دانشجو نبوده و یا سالپایان تحصیلاتشان پایان یافته، ارز تحصیلی شان قطع شده است. ضمناً دولت اعلام داشته که از مهرماه امسال برای دانش آموزان مقیم خارج ارز تحصیلی ارسال نخواهد شد.

اینکه ارز تحصیلی ۶ هزار نفر که مرکب ثقل و تخلف شده‌اند، قطع شده عملی است بجا که تا باید همگان را دارد. اما آیا این به تنهایی کافی است؟

مسئله بررسی وضع دانشجویان خارج ابعاد مختلفی دارد، که فقط یک بعد آن ثقل و تخلف است. بسیاری از این دانشجویان متعلق به خانواده‌های فراری طاغوتی هستند، که در حسابهای بانکی خارج شان، یا در چمدان‌هایی که با خود به خارج انتقال داده‌اند و یا حواله‌های ارز قاچاقی که در خارج دریافت کرده‌اند، پول کافی دارند، تا هزینه تحصیل فرزندان شان را بپردازند. گروه دیگری از این دانشجویان از خانواده‌های مرفه مقیم کشور هستند که دولت الزامی ندارد از صندوق فقیر این مردم برای فرزندان آنها ارز بفرستد. علاوه بر آنکه عده کثیری از دانشجویان مقیم خارج اصولاً مخالف انقلاب ایرانند، به زبان این انقلاب تبلیغ میکنند و شب و روز

سرگرم فعالیت‌های ویرانگرانه هستند. این کسان تا نظام جمهوری اسلامی ایران باقی است به کشور باز نخواهند گشت و روزی که از موفقیت توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب علیه انقلاب ما مایوس و ناامید شوند، برای دریافت ورقه اقامت دائم در کشورهای اروپای غربی و آمریکا بدست و پا خواهند افتاد. در قبال چنین کسانی دولت چه وظیفه دارد که هزینه گزافی ضدانقلاب خرابکار - و در بهترین شکل - بیکاره را از کیسه مردم بپردازد؟

بررسی وضع دانشجویان مقیم خارج کشور باید با توجه به تعلق طبقاتی، تعلق خانوادگی، پیشینه سیاسی و مواضع سیاسی کنونی و رشته تحصیلی آنها باشد. اگر بررسی در این ابعاد انجام شود، با اطمینان میتوان گفت که از میان ۲۵۰ هزار نفر دانشجویی مقیم خارج، حتی ده هزار نفر هم باقی نخواهند ماند که دولت ملزم به تامین ارز تحصیلی آنها باشد.

هدف از دریافت پرسشنامه از دانشجویان تنها نباید این باشد که افراد متقلب و جاعل از دریافت ارز محروم شوند، بلکه باید بویژه این نیز باشد که فقط و فقط به افراد معدودی ارز پرداخت شود که هم رشته تحصیلی شان مورد نیاز کشور است، هم درس خوان هستند، هم مومن به انقلابند و هم بی تردید، پس از پایان تحصیل، به کشور باز خواهند گشت.

در شرایطی که اقتصاد کشور بعلمت شرایط ویژه بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی، اجازه پرداخت اضافه دستمزد هر ساله کارگران زحمتکش را نمیدهد، میزان عیدی و پاداش آنان تقلیل می‌یابد، زحمتکشان بدرستی به قناعت و صرفه دعوت میشوند و آن زن و مرد روستائین چند عدد تخم مرغ خود را برای کمک به زمندگان جبهه‌ها هدیه میکنند، در شرایطی که چند میلیون نفر جنگ زده داریم و میلیاردها تومان هزینه بازسازی مناطق دردم کوبیده جنگی در پیش است، چرا باید حتماً و از محدود مملکت را برای دردهای خانواده‌های طاغوتی و مرفه ارسال داریم؟ مگر دانشگاههای کشور بدلیل «فرب زدگی» تعطیل نشده پس چرا این دویست و پنجاه هزار جوان را با هزینه این مردم محروم در مراکز اصلی شیوه زندگی غرب نگاه داشته‌ایم؟ چرا صدها هزار دانشجوی خانواده‌های متوسط و پائین را از ترس غریزدگی در خیابانها رها کرده‌ایم، اما برای فرزندان خانواده‌های مرفه پول میفرستیم تا غریب زده بار آیند؟

دکتر غلامرضا جهان‌شاهلو، رئیس سازمان سنجش آموزش کشور و معاون دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ضمن مصاحبه با روزنامه کیهان (۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰) متذکر شد که: «در سال معمولاً ده هزار دلار یعنی ۶۰ هزار تومان برای يك دانش آموز در خارج از کشور مصرف میشود و این رقم یانگتر آنست که تا همین هزینه زندگی يك دانش آموز در خارج از کشور، به قیمت از دست دادن امکانات لازم برای صد دانش آموز در داخل کشور است.»

چرا باید امکان آموزش را از صد دانش آموز متعلق به خانواده‌های محروم و زحمتکش گرفت، تا هزینه تحصیل يك دانش آموز خانواده‌های مرفه در خارج از کشور تامین شود؟ شبکه آموزش ابتدایی کشور چنان محقر است که هم اکنون میلیونها کودک در سن تحصیل امکان ورود به مدرسه را نمی‌یابند. چارچوب تحصیلات عالی چنان تنگ است که همه ساله چند صد هزار فارغ التحصیل دبیرستانی پشت در دانشگاهها میمانند. نظام جمهوری اسلامی ایران، که مدافع و پشتیبان طبقات و اقشار محروم جامعه است، باید سرانجام در این راه بگام گذارد که با صرفه جوئی در خرج ارز دانشجویی و رساندن آن به حداقل ممکن، به ایجاد و گسترش شبکه تحصیل رایگان، که حکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، توفیق یابد. با این گشادبازی‌ها مشکل بتوان برای زحمتکشان آموزش رایگان را تامین کرد. ما از مسئولان آموزش کشور طلب میکنیم که پرسشنامه‌های دریافتی از دانشجویان مقیم خارج را در تمام ابعاد آن مورد بررسی قرار دهند، تا فقط کسانی ارز تحصیلی دریافت دارند که دانش و فن و تخصص آنها بی تردید در خدمت این کشور و این مردم قرار خواهد گرفت.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در کرج: با اتحاد و هشیاری، توطئه جدید آمریکا را درهم شکنیم

بدنبال حوادث اخیر کرج، سازمان حزب توده ایران در این شهر اعلامیه زیر را منتشر کرده است: مردم قهرمان کرج!

شیطان بزرگ - آمریکا - این سرکرده غدارترین دشمن غدار انقلاب ما - امپریالیسم جهانی - متأسفانه موفق شده است که دامنه درگیریه و تشنجات را، که مطابق نقشه معینی در سراسر ایران سازمان داده شده، به شهر کارگری کرج نیز بکشاند.

ضدانقلاب سازمان یافته، کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ، ساواکی‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی «بیکاره» و «رنجبر» پس از حوادث ۲۸ فروردین «گرمدره»، کوشیدند به بهانه طرفداری از دستگیرشدگان، که در میانشان ضدانقلابیون و بساز و بفروشهای شناخته شده نیز وجود دارند، با برپا کردن «تظاهرات موضعی» در نقاط مختلف شهر ایجاد اغتشاش کنند. متأسفانه هواداران «سازمان مجاهدین خلق» هم در این تشنج آفرینی شرکت داشتند. حوادث قائمشهر هم فرصت خوبی برای ضدانقلاب فراهم آورد، تا با سوءاستفاده از روش «مجاهدین خلق» از سوئی و قشری گری و انحصارطلبی برخی نیروها و بویژه گروه افراطی «المراقبون» از سوی دیگر، درگیری و تشنج بوجود بیاورد.

روز سه شنبه ۸ اردیبهشت ۶۰، پس از آنکه هواداران «مجاهدین خلق» اعلام کردند که برای برگزاری مراسم ختم در مسجد حصار گرد می‌آیند، اعلامیه‌ای با امضای «حزب الله» پخش شد، که در آن از مردم دعوت شده بود، تا با تجمع در مسجد جسامع از توطئه «گروهکها» جلوگیری کنند. باین ترتیب از دو جانب قانون زیر پا گذاشته شد و زمینه برای ایجاد درگیری فراهم گردید. کار بی‌اعتنایی به قانون از این حد هم گذشت و جمعی از اعضای بسیج برای مقابله با «هواداران «مجاهدین خلق» و گروهکهای چپ‌نما فراخوانده شدند. متأسفانه در اعلامیه‌های شورای تامین شهر کرج نیز، که مردم را به «خنثی ساختن توطئه‌های گروهکهای بیکار و مجاهد» دعوت کرده بود، کوچکترین اشاره‌ای به نقش نیروهای انتظامی و قانون نشده بود.

درگیری از ساعاتی پیش از شروع مراسم به تدریج آغاز شد. از جمله افراد «المراقبون» به یکی از «هواداران «مجاهدین خلق» که در خیابان برغان مشغول پخش اعلامیه بود، حمله بردند و بدنبال آن، این خیابان و اطراف آن متشنج شد و عده زیادی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. جالب اینکه در این میان عده‌ای از عوامل مشکوک به فکر «کمونیست گری» افتاده بودند و سعی می‌کردند کار راه‌حلمه به خانه‌های مردم بکشانند. سرانجام جمعیت بطرف میدان شهر و از آنجا بسوی «حصار» براه افتاد. در این محل، در حالیکه متأسفانه نیروهای انتظامی و پاسداران کوچکترین دخالتی نمی‌کردند، درگیری شکلی گسترده و خونین بخود گرفت و ضدانقلابیون و نیروهای افراطی فریب‌خورده، فرصت کافی یافتند تا دامنه درگیری را هر چه وسیعتر کنند.

همشهریان گرامی!

شیطان بزرگ و ایادی اش، که از توطئه‌های رفکارنگ قبلی سودی نبرده‌اند، این بار درصددند تا با گسترش تشنج و درگیری، زمینه را برای زدن ضربه آخر به جمهوری اسلامی ایران آماده کنند و انقلاب را در حمام خون توده‌ها دفن کنند. ضدانقلاب بر آنست تا فرمان امام خمینی را در مورد اعلام سال ۶۰ بعنوان «سال قانون» و اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب را بی‌اعتبار کنند، تا بتوانند در غیاب قانون اعمال ضدانقلابی خود را انجام دهند. باید این توطئه شوم را با تمام نیرو خنثی کرد. این کار تنها با اتحاد همه نیروهای طرفدار انقلاب زیر رهبری امام خمینی ممکن است.

حزب توده ایران - سازمان کرج بار دیگر از نیروهای انقلابی، بویژه از سپاه پاسداران میخواهد که در مقابل توطئه‌های ضدانقلاب با قطعیت بیشتر عمل کنند. بزمترین وظیفه همه انقلابیون امروز دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. ما بار دیگر به هواداران «مجاهدین خلق» و گروه «المراقبون» هشدار می‌دهیم که اعمال نسنجیده و افراطی آنها بسود انقلاب نیست. باید همه نیروهای خلق متحد شوند و توطئه دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان - امپریالیسم آمریکا - را خنثی کنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا! برقرار باد اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی در جبهه متحد خلق!

حزب توده ایران - سازمان کرج

۱۳۶۰ اردیبهشت ۱۲

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازار گانی خارجی اجرا کنید!



نمایشگاه عکس در آق‌قلا

از طرف هواداران حزب توده ایران، نمایشگاه عکس در آق‌قلا، واقع در بندر ترکمن، تشکیل شد. این نمایشگاه در مدت برگزاری، مورد استقبال مردم این منطقه قرار گرفت.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در بندرعباس:

امپریالیسم آمریکا میکوشد در ایران جنگ داخلی برپا کند!

ارواح شهنشاه پندرباس به دنبال درگیریهای اخیر این شهر، تروریک پاسدار و کشته شدن یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق، متشنج است. این جو تا آرام روز ۹ اردیبهشت ۶۰ در مراسم برگزاری چهلین روز یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق و حمله عدهای چماقدار به این مراسم، متشنج تر شد. با کمال تأسف اقدامات مسئولین انتظامی شهر نیز برای حفظ آرامش و جلوگیری از اقدامهای قانون شکنانه تاکنون نه کافی و نه مفید بوده است. بدنبال این حوادث، سازمان حزب توده ایران در بندرعباس، با انتشار اعلامیه ای ترور پاسدار محمد ذاکری را محکوم کرد. در این اعلامیه از جمله آمده است: «مردم قهرمان بندرعباس! همانطور که مطلع هستید، عدهای از عوامل مشکوک صبح روز ۹ اردیبهشت ۱۳۶۰ پاسدار محمد ذاکری را ترور کردند. حزب توده ایران - سازمان بندرعباس این عمل ضدانقلابی را محکوم می کند و خواستار مجازات قاتل یا قاتلان این پاسدار شهید است. حزب توده ایران توجه مردم مبارز بندرعباس، همه مقامات مسئول و نهادهای انقلابی را به توطئه گسترده ای که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، و ضدانقلاب داخلی برای درهم کوبیدن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده است، جلب می کند و اعلام می دارد که ترور پاسدار محمد ذاکری حلقه ای از توطئه گسترده امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش برای ایجاد جنگ داخلی است.»

حزب توده ایران - سازمان بندرعباس همچنین با صدور اعلامیه زیر تشنج های اخیر این شهر را محکوم کرده است: «راهپیمائی های تحریک آمیز، قتل و جرح، ترور و بمب گذاریهای یک دو هفته اخیر در نقاط مختلف کشور، بخشی از توطئه هتم امپریالیسم آمریکا است، که مطابق نقشه الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا، بار دیگر به اجرا درمی آید. سرمایه داران بزرگ، زمینداران کلان، ساواکیها و مائوئیستهای آمریکائی نظیر «پیکار» مجری مستقیم این توطئه هستند. با کمال تأسف موضع گیری نادرست مجاهدین خلق باعث شده است که این ضدانقلابیون بتوانند زیر پوشش آنها و یا به بهانه حمایت از آنها به فعالیت بپردازند. هدف توطئه هتم آمریکا ایجاد و گسترش جو تشنج و درگیری است، تا چنین وانمود شود که سال جدید «سال قانون» نیست و دولت مسئولین توانائی اداره کشور را ندارند. امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا میکوشد که بدین طریق نیروهای مردم را برآکنده سازد و زمینه را برای سرکار آوردن دولت «معتدل» و دلخواه آمریکا و یا جنگ داخلی فراهم کند. بمب گذاری در روز ششم اردیبهشت ۱۳۶۰ در یکی از خانه های ۲۵۰۰ دستگاه، راهپیمایی عصر سه شنبه ۶۰/۲/۸ با شعارهای تحریک آمیز و به دنبال آن حمله حساب شده به دوتن از مامورین شهربانی، که یکی مجروح و دیگری خلع سلاح شد، ترور پاسدار محمد ذاکری در صبح روز بعد در بندرعباس، قسمتی از این توطئه سراسری است.»

پیام شادباش سازمان حزب توده ایران در شهرضا به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رفقای گرامی کمیته مرکزی حزب توده ایران! اعضای سازمان حزب توده ایران در شهرضا، اطمینان دارند که در این شرایط بغرنج تاریخ میهنمان، مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، بویژه برنامه حزب توده ایران، مشعل فروزان روشن کننده راه زحمتکشان و کلیه مبارزان توده ای ایران خواهد بود. بهین مناسبت، گرم ترین درودهای ما را بخاطر برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، حزب میهنمان، مصوبات هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، بویژه برنامه حزب توده ایران، مشعل فروزان روشن کننده راه زحمتکشان و کلیه مبارزان توده ای ایران!

اعلامیه حزب توده ایران - سازمان بانه اعتراض به دستگیری رفیق جمال احمد نژاد توسط باند قاسملو

به دنبال دستگیری رفیق جمال احمد نژاد، یکی از هواداران حزب توده ایران در بانه، توسط اعضای باند قاسملو، حزب توده ایران - سازمان شهرستان بانه، با صدور اطلاعیه ای خواستار آزادی فوری وی شد. در این اطلاعیه آمده است: «بدنبال درهم شکستن تجاوز نظامی دارو دسته صدام امپریالیستی بر مین انقلابی ما، اینک توطئه های جدید امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، همچنان در کار تدارک است. ضدانقلاب پسرورده امپریالیسم آمریکا، بیاری لیب الهای سازشکار و مائوئیستهای آمریکایی، با ایجاد درگیری و تشنج و تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی، بیش از پیش فعال گشته است. همزمان با تثبیت، تعمیق و گسترش هرچه بیشتر انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، به رهبری امام خمینی، ضدانقلاب کف برلب آورده، به شیوه های جدید و تاکتیکی های نوین روی می آورد. دارو دسته قاسملو، که مدتها خود را زیر نقاب «دفاع از حقوق ملی خلق کرده» پنهان کرده بود، اینک بیش از پیش چهره واقعی ضدانقلابی خویش را می نمایاند. این دارو دسته، که به پناهگاه مطمئنی برای ضد انقلابیون، فئودالها، افسران طاغوتی فراری، ساواکیها و عوامل مؤثر «حزب آریامهری رستاخیز» و به سرابی برای ناآگاهان گول خورده، بدل شده است، بیش از پیش ماسک فریب از چهره برداشته و «دمکراسی» ادعایی خویش را هر روز به گونه ای به نمایش میکشاند.»

حمله به دکه فروش نشریات حزب توده ایران در بندرعباس

همچنین بر اساس اخبار رسیده، به تحریک عدهای از عناصر مشکوک در شهر بندرعباس، دکه فروش نشریات حزب توده ایران، در تاریخ دهم اردیبهشت ماه سال جاری، مورد حمله قرار گرفت. ما ضمن محکوم کردن این عمل، که تنها بسود امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی است، از مسئولین امر، بویژه سپاه پاسداران این شهر میخواهیم که در سال «حکومت قانون» مانع بروز اینگونه اعمال ضدقانونی شوند.

ضدانقلاب را در خوی سرکوب کنید!

ما از آنان کسارت شناسائی خواستند و آنها با ارائه کارت «بسیج» و «کمیته»، با چاقو به رفقای ما حمله بردند و آنها را به شدت مجروح کردند. وضع متشنج شهر خوی تا عصر جمعه ادامه داشت و آشوبگران هر کس را که در خیابانها یافتند، با ضربات مشت و لگد و زنجیر مجروح و مجروح کردند. از جمله مجروح شدگان چند تن «جوانان متعهد پیروان صراط مستقیم» از یکطرف، و چند نفر که طرفدار گروهک مائوئیستی - آمریکائی «توفان» بودند، از طرف دیگر، دست به راهپیمائی زدند و با یکدیگر درگیر شدند. عدهای از این آشوبگران به چند تن از رفقای ما، که شاهد این حوادث بودند، نیز حمله کردند و قصد دستگیری آنان را داشتند. عوامل ضدانقلاب در خوی، روز جمعه ۱۱ اردیبهشت (روز کارگر)، این شهر را به آشوب و تشنج کشانده و چند نفر را مجروح و مجروح کردند. در ایجاد این تشنج، گسروهک مائوئیستی - آمریکائی «توفان» و گروهی بنام «جوانان متعهد پیروان صراط مستقیم» نقش اصلی را داشتند. فرماندار شهر خوی، با توجه به جو شهر، از مردم خواسته بود که از راهپیمائی در این روز خودداری کنند. ولی گروهی با نام

از آزار و اذیت روستائیان زحمتکش گرفته تا باج خواهی از آنان، از فشار بر زحمتکشان روستا مبنی بر خرید اجباری اسلحه گرفته تا شکنجه و آزار و زندانی کردن هواداران انقلاب، از ایجاد جو اختناق گرفته تا آدم ربائی و ترور و حمله به مراکز انتظامی و ایجاد درگیری و تشنج، از هیچ عملی رویگردان نیست. اخیرا رفیق توده ای ما، جمال احمد نژاد، به جرم دفاع از مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران، در یکم از روستاهای شهرستان بانه به وسیله افراد قاسملو مورد ضرب و شتم قرار گرفته و زندانی شده است. بدون شک این برخورد ضد انقلاب با رفیق ما، خاطره دستگیری، شکنجه و آزار وی را توسط جلادان محمد رضاشاهی در یاد همشهریان و روستائیان زحمتکش شهرمان زنده میکند. بگذار یکبار برای همیشه ضدانقلاب پداندکه، حزب توده ای ما را از این باذها گزند نیست این را چهل سال مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر حزب مسا علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، و دست نشاندگانش علیه ظلم و بیدادگری و در راه دفاع از آرمان طبقه کارگر به ثبوت رسانده است. سازمان حزب توده ایران در شهرستان بانه خواهان آزادی فوری رفیق توده ای جمال احمد نژاد میباشد و نیروهای انقلابی و تریخواه را فرامیخواند که بانگ اعتراض خود را علیه اعمال فاشیستی باند قاسملو بلند کنند.»

ساختمان نیمه تمام مدرسه راهنمایی شریعتی افسریه را به اتمام برسانید

ساختمان تنها مدرسه راهنمایی شریعتی افسریه، به علت عدم پرداخت هزینه آن، به تعویق افتاده است. منطقه افسریه تهران تنها دارای یک مدرسه به نام جلالوند است، که گنجایش ۲۰۰۰ دانش آموز را دارد. با توجه به کمبود امکان تحصیلی برای همه نوجوانان محله، تصمیم گرفته شد تا مدرسه ای دیگر در این محل احداث شود. اداره کل نوسازی در جبهه آبادان، رزمندگان انقلاب، مواضع صدایمان را هدفت آتش توپخانه و خمپاره انداز قرار دادند، که در نتیجه ۳ محل تجمع، دو پست دیده بانی و تعدادی سنگر اجتماعی - انفرادی و چندین سنگر آرمی - جی ۷ دشمن منهدم و ۳ سنگر مهمات آنان به آتش کشیده شد. در جبهه خونین شهر، رزمندگان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران مواضع تجاوزگران صدامی را مورد حمله قرار دادند، که در نتیجه آن یک انبار مهمات، یک محل تجمع و یک سنگر اجتماعی دشمن نابود شد. جنایتکاران صدام در روز ۱۳ اردیبهشت نیز همچنان مناطق مسکونی شهر آبادان را زیر آتش گرفتند، که در نتیجه آن خساراتی به منازل مسکونی وارد شد و تعدادی از هم میهنان ما شهید و مجروح شدند. همچنین دشمن قصد داشت شهرهای جنوبی را با حمله هوایی قرار دهد، که با اجرای آتش پدافند هوایی رزمندگان انقلاب در اجرائی این نقشه خود ناکام ماند. در روزهای دهم و یازدهم اردیبهشت، ۱۱ تن از رزمندگان نیروی زمینی در جبهه های نبرد به شهادت رسیدند.

مواضع ارتش ... بقیه از صفحه ۱

شد. بدنبال آن، رزمندگان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران مواضع و ادوات رزمی ارتش عراق را در جبهه های قصر شیرین - بمباران کردند و خسارات و تلفات قابل توجهی به تجاوزگران صدامی وارد آوردند. رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جبهه های غرب دزفول نیز با اجرای آتش توپخانه حمله تهاجمی تجاوزگران صدامی را درهم کوبیدند و آنها را وادار به عقب نشینی کردند. در این عملیات ۵ تانک و یک نفر از دشمن منهدم شد. در جبهه دیگر غرب دزفول، رزمندگان نیروی زمینی، با اجرای آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بر مواضع دشمن، ۱۰ نفر از آنان را کشتند و یا مجروح کردند. همچنین در جبهه چالوند بر اثر آتش سلاحهای سنگین دلاوران ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، یک چادر مهمات و چند سنگر گروهی دشمن نابود شد و تعدادی از نفرات آنان کشته و مجروح شدند.

این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

زحمتکشان جهان، روز جمعه ۱۱ اردیبهشت در سراسر کشور برگزار شد. - قلعنامه پیشنهادی اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان. - کارگران و دهقانان در سنکر مقاومت و مبارزه برای پیشرفت انقلاب.

نیرومند ساختن ... بقیه از صفحه ۱

۴- از تمام امکانات برای خودکفایی ارتش تا حد ممکن بهره گیری شود؛ ۵- تدارک جنگ افزارهایی که تهیه آن در کشور ممکن نیست، تنها در صورت عدم پذیرش هرگونه شرط سیاسی و اقتصادی و براساس بهترین، ارزان ترین و

